

امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه بیست و سوم
فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی
۹۵/۸/۶

فصل دوم: «امنیت فضای مجازی»

۲.۱. تعریف امنیت فضای مجازی

«حفاظت و مقاوم سازی دارایی های فضای مجازی در برابر تهدیدهای فضای مجازی»

۲.۲. تهدیدهای امنیتی فضای مجازی

- اول: تهدیدهای باب معاملات در فقه (فقه اجتماعی)

- سرقت
- دسترسی
- تخریب
- اخلال
- تغییر
- جعل

تهديد‌ها ←	سرقت	دسترسی	تغییر	تخریب	اخلال	جعل
دارایی‌ها ↓	*					
سخت افزار						
نرم افزار						
شبکه						
اطلاعات						
خدمات						
کاربران						

فصل دوم: «امنیت فضای مجازی»

۲.۱. تعریف امنیت فضای مجازی

«حفاظت و مقاوم سازی دارایی های فضای مجازی در برابر تهدیدهای فضای مجازی»

۲.۲. تهدیدهای امنیتی فضای مجازی

دوم: تهدیدهای باب ولایات در فقه (فقه سیاسی)

- جنگ سایبری،
- جنگ با ابزار الکترونیکی،
- جنگ رسانه‌ای،



ادامه بحث از سرقت سخت افزار

نسبیت در معنای حرز:

قول اول: حرز مفهومی ثابت و مطلق دارد و اگر چیزی برای کالایی حرز بود برای همه چیز حرز است.

قول دوم: حرز به نسبت اموال مختلف متفاوت است مثل این که حرز سبزیجات با حرز طلاجات متفاوت است.

نتیجه آن که به نظر می‌رسد که ملاک معنای عرفی حرز است چون لفظ حرز در برخی روایات آمده و از میان آنها روایت صحیح نیز وجود دارد از جمله روایت صحیح محمد بن مسلم که آمده است:

... قَالَ كُلُّ مَنْ سَرَقَ مِنْ مُسْلِمٍ شَيْئًا قَدْ حَوَاهُ وَ أَحْرَزَهُ فَهُوَ يَقَعُ عَلَيْهِ اسْمُ السَّارِقِ...

و از آنجا که در حرز بودن در این روایت معیار برای موضوع حکم شرعی قرار گرفته بنابر این در تشخیص معنای آن باید به عرف رجوع کرد و روشن است که عرفاً حرز جواهرات با حرز امور ارزان قیمت یکسان نیست.

ضمن این که هر جا در تشخیص حرز تردید شود قاعده درأ اقتضا دارد که حد جاری نگردد. به دلیل روایت مشهوری که در کتب روایی مذکور است:

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اِذْرَءُوا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ وَ لَا شَفَاعَةَ وَ لَا كَفَالََةَ وَ لَا يَمِينَ فِي حَدٍّ. مجلسی اول (م. ۱۰۷۰) در شرح حدیث بیان کرده که این حدیث اطلاق دارد و موارد شبهه مصداقیه و شبهه حکمی هر دو را شامل می‌شود بنابر این بحث ما که نوعی شبهه حکمی است نیز داخل در مفاد حدیث است:

«ادرءوا» اذفعوا «الحدود» شاملة للجلد و التعزیر و القصاص «بالشبهات» بکل ما اشتبه علیکم حتی فی المسألة إذا كانت مشبهة لتعارض الأدلة أو لعدمها ظاهراً.
دو معنای ظاهراً

مضمون این حدیث در منابع روایی دیگری نیز آمده است. هر چند در برخی از آنها ظهور در شبهه مصداقیه فهمیده می شود نه شبهه مفهومی:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَ امْرَأَةً ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَوَاقَعَهَا وَظَنَّ أَنَّ لَهُ عَلَيْهَا الرَّجْعَةَ فَرَفَعَ إِلَى عَلِيٍّ فَدَرَأَ عَنْهُ الْحَدَّ بِالشُّبْهَةِ وَ قَضَى عَلَيْهِ بِنَصْفِ الصَّدَاقِ بِالتَّطْلِيقَةِ وَ الصَّدَاقِ كَامِلًا لِغَشْيَانِهِ إِيَّاهَا.

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ عَلِيًّا ع قَضَى فِي رَجُلٍ أَصَابُوهُ مَعَ امْرَأَةٍ فَقَالَ هِيَ امْرَأَتِي تَزَوَّجْتُهَا فَسُئِلَتِ الْمَرْأَةُ فَسَكَتَتْ فَأَوْمَى إِلَيْهَا بَعْضُ الْقَوْمِ أَنَّ قَوْلِي نَعَمْ وَ أَوْمَى إِلَيْهَا بَعْضُ الْقَوْمِ أَنَّ قَوْلِي لَا فَقَالَتْ نَعَمْ فَدَرَأَ عَنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَدَّ وَ عَزَلَ عَنْهُ امْرَأَتُهُ حَتَّى يَجِيءَ بِالْبَيِّنَةِ أَنَّهَا امْرَأَتُهُ.

حضرت امام در این بحث چنین آورده‌اند:

مسألة ٣ يعتبر في السرقة و غيرها مما فيه حد ارتفاع الشبهة حكما و موضوعا، فلو أخذ الشريك المال المشترك بظن جواز ذلك بدون إذن الشريك لا قطع فيه و لو زاد ما أخذ على نصيبه بما يبلغ نصاب

بیان حکم تعزیر:

در صورتی که مال در حرز نباشد یا در حرز باشد ولی هنوز از حرز خارجش نکرده باشد حکمش تعزیر است که در روایات موثق به آن اشاره شده است، از جمله:

— أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا أَقْطَعُ فِي الدَّغَارَةِ الْمُعْلَنَةِ وَ هِيَ الْخُلْسَةُ وَ لَكِنْ أُعْزَرُهُ.

ابوبصیر از یکی از دو امام (صادق و باقر علیهما السلام) روایت کرده که شنیدم می‌فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام گفت من در مورد دزدی علنی که همان سلب کردن و گرفتن است قطع نمی‌کنم

— عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ: مَنْ سَرَقَ خُلْسَةً اخْتَلَسَهَا لَمْ يُقْطَعْ وَ لَكِنْ يُضْرَبُ ضَرْباً شَدِيداً.

سماعه گفت که فرمود هر کس به صورت ربایش چیزی بدزد و بر باید قطع (دست) نمی‌شود بلکه او را به شدت می‌زنند.

و بِهَذَا الْإِسْنَادِ (يعني عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَتَى بِرَجُلٍ اخْتَلَسَ دُرَّةً مِنْ أُذُنٍ جَارِيَةٍ قَالَ هَذِهِ الدَّغَارَةُ الْمُعْلَنَةُ فَضْرَبَهُ وَ حَبَسَهُ. سکونی از امام صادق علیه السلام نقل کرد که مردی را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند که مرواریدی را از گوش کنیزی ربوده بود فرمود این همان ربایش علنی است پس او را زد و حبسش کرد.

از این روایات موثق استفاده می‌شود که اگر مال در حرز نباشد بلکه ربایش علنی باشد و شیء در معرض دید باشد حکمش تعزیر است که کم و کیف آن به نظر حاکم بستگی دارد.

به این حکم بسیاری از فقها از جمله ابن ادریس حلی تصریح کرده‌اند:

فإن سرق الإنسان من غير حرز لم يجب عليه القطع، و ان زاد على المقدار المقدم ذكره، بل
يجب عليه التعزير.

پس اگر انسانی از غیر حرز بدزد نباید دستش را قطع کرد هر چند بیش از مقدار مذکور
باشد بلکه تعزیر او لازم می‌گردد.

والحمد لله رب العالمين

كلام
و الأخبار
(ملاذ

